

علامه طباطبائی (ره) و آینده جهان با حاکمیت اسلام

محمد صدیقی الاتق*

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۳)

چکیده

مقاله پیش رو موضوع آینده جهان از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) را مورد بررسی قرار داده است. علمی بودن و تنازگی آن هم از این جهت است که موضوع ذکر شده از نگاه قرآن و از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) است. این مسئله با روش ویژه تفسیری علامه و با بررسی تحلیلی وی از احادیث مربوط مورد بررسی قرار گرفته است. ایشان ضمن بررسی نظام حق گرا و فطری انسانی و جوامع بشری، فرماید گرایش انسان مطابق فطرتش به صلاح و رفع فساد و ظلم است. بنابراین مسیر نهایی وی به سوی حاکمیت حق است و نهایتاً عواملی دست بدست هم داده و آینده جهان را از آن صالحان خواهند کرد. وی وقوع کامل چنین واقعه را در زمان ظهور مهدی موعود (عج) و با حاکمیت سراسری اسلام می‌داند و با تفسیر آیاتی، فرماید در آن عصر دینی غیر از اسلام نخواهد ماند و تمام اهل کتاب به عیسی (ع) که برای امام مهدی (عج) نزول خواهد کرد، ایمان می‌آورند. ایشان برای رفع ابهام مسئله رابطه ظهور امام مهدی (عج) با مسئله رجعت و قیامت را که در برخی ادله پایان جهان، علاوه بر قیامت حجت (عج) رجعت و یا قیامت دانسته شده، پرداخته و آن را به این جهت می‌داند که حقیقت این سه موضوع در ظهور حق یکی است.

واژگان کلیدی: علامه طباطبائی (ره)، آینده، جهان نظام انسانی، ظهور، امام مهدی (عج).

مقدمه

فرجام تاریخ بشری از نظر غایت‌شناسی و تأثیرگذاری آن در زندگی، از حوزه‌های مؤثر فکری بشر و از مسائل مهم پژوهشی است. از نظر پیشینه، از دیرباز در مباحث اجتماعی برای جوامع بشری این پرسش مطرح است که آیا تاریخ بشری نهایتاً به سوی تکامل و صلح و عدالت در حرکت است یا سرانجام دچار انحطاط و جنگ و تخاصم و بی‌عدالتی می‌شود. در صورت نخست، سازوکار استقرار صلح و عدالت جهانی چیست؟ اگر حکومت و قانون دو رکن انتظام‌بخش حیات بشری باشد، حکومت‌های فعلی که خود را در چارچوب مرزهای جغرافیایی تعریف می‌کنند، فاقد چنین توانمندی‌اند. روشن است که اگر نگرش به تاریخ بشری به سوی کمال، توسعه و ترقی باشد، نگرشی مثبت و خوش‌بینانه به فلسفه تاریخ و فرجام تاریخ بشری است؛ و اگر، فرجام تاریخ با انحطاط تحلیل شود؛ نگرش کاملاً منفی و بدبینانه است. پرسش نوشته حاضر این است که آینده جهان از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) چگونه است؟ اگر از دید آن مرحوم آینده تاریخ بشری، از لحاظ تفکر اسلامی و تفسیر قرآن به سوی تکامل است، در این صورت حکومت در جامعه، چگونه مجال جهان شمولی دارد؟

با مرور اجمالی بر افکار دانشمندان معلوم می‌شود که دنیای ایده‌آل اندیشمندان، مصلحان و مکاتب فکری، دنیایی است که در آن تمام بشریت بتواند فارغ از هرگونه مرزبندی‌های اعتباری، در کنار هم و تحت حکومت واحد، زندگی توأم با آرامش داشته باشند. برخی از فلاسفه سیاسی نیز از منظر خود به تبیین الگویی برای تشکیل حکومت واحد جهانی پرداخته‌اند.

تأسیس حکومت واحد جهانی و طرح ایده منجی و مصلح آینده بشر با تعابیر مختلف، یکی از وعده‌های حتمی ادیان الهی است، اما هیچ‌یک از آن ایده‌ها به تشکیل نشد و در مرحله طرح و لابلای کتب شاید بدلیل نقص و غیرتمام بودنشان متروک ماند. اسلام از روز اول با زبان مبارک مؤسس خود بر پایه نیاز فطری بشر و استدلال حکیمانه، بر این باور است که تنها راه عملی حل مشکل بشریت و دستیابی به زندگی آرام و امنیت پایدار، همچنین تعالی و رشد انسانیت، در

فروپاشی مرزهای ساختگی و اعتباری ملی، نژادی و... با ایجاد حکومت واحد جهانی مهدویت بر پایه عدالت و احترام به کرامت انسانی، تحت حاکمیت قانون آسمانی اسلام است. از این رو، علامه طباطبائی (ره) در سراسر تفسیر گرانبهای المیزان سعی کرده است ایده مهدویت و آینده جهان را با استفاده از آیات و روایات مرتبط تبیین کند. نویسنده درصدد است تا با مراجعه به آن تفسیر و منابع دیگر به روش کتابخانه‌ای و فیش برداری، دیدگاه علامه (ره) را به صورت توصیفی-تحلیلی تحت عناوین ذیل تبیین نماید:

۱. مهدویت، نظام انسانی و آینده تاریخ

علامه طباطبائی (ره) بر این باور است که آینده جهان با حاکمیت صالحان خواهد بود. وی در بیان این امر در قسمت‌هایی از تفسیر شریف المیزان در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران با بیان این که گرایش نوع انسان مطابق فطرتش به صلاح و رفع فساد و ظلم است، با بررسی ویژگی‌های نوع بشر و جوامع بشری این امر را اثبات می‌کند. بنابراین آینده جهان را از صالحان می‌داند؛ وی گوید این گرایش فطری بشری در اثر برخی عوامل محیطی و نیز سلطه زورگویان و مستکبران از انسان گرفته شده است و از آزادی فطری و فکری و عملی محروم می‌شود. در این جاست که انسان و جوامع انسانی با ظلم و سختی‌ها روزگار سپری می‌کنند.

بر اساس وعده الهی در کتب آسمانی چنین وضعی همیشگی نیست. روزگاری می‌رسد که حلقه‌های تاریخی، به گونه‌ای به هم می‌پیوندند که حاکمیت صالحان و پرهیزکاران فرا می‌رسد و دین توحیدی اسلام (که طبق آیه کریمه مطابق فطرت و خواستار شایسته‌سالاری است) طبعاً پس از ایجاد انگیزه و آمادگی عمومی و جهانی و رسیدن مردم جهان و جوامع بشری به بلوغ فکری بر تمام عالم، غالب و حاکم می‌شود. بدین ترتیب دین اسلام با طرح مهدویت در راستای تحقق این فطرت و غایت و عاقبت قرار می‌گیرد و روزی اسلام به کل جهان حاکمیت می‌یابد ...

عرفت ان الإسلام بالمعني الذي نبحت فيه غاية النوع الإنساني و كماله هو بعزیزته متوجه الیه^۱.

۱. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۳۲

خلاصه کلام علامه طباطبائی (ره)، همان طور که گفته شد این است که اسلام، به هر دو نوع بهره و سلوک دنیوی و اخروی انسان توجه دارد و مطابق فطرت کمال خواه انسان است. براساس آیات و روایات، عاقبت از آن مؤمنان پرهیزکاران و صالح خواهد بود و تحقق این با ظهور حضرت مهدی (عج) است. روشن است که رسیدن به این غایت، نیاز به همت و عزم قطعی و آمادگی نوع انسانی دارد که شایستگان و صالحان، آن را فراهم می کنند.

با این بیان، علامه (ره)، کل نظام هستی را دارای مسیری به سوی صلاح و شایستگی می داند که انسان و جامعه انسانی هم در همین نظام و تحت همین قانون قرار دارد که مجموعه متون غنی دینی، آمادگی جوامع و انسان های متفکر و شایسته رهبری و در رأس آن ها، اراده الهی، حلقه های تاریخی را به سوی آن، پیش خواهد برد.^۲

علامه طباطبائی (ره) به این مطلب به دو نحو استدلال می کند:

۱. از این طریق که اسلام آئین حق است و سرانجام دنیا تسلیم دین حق خواهد شد، چون این وعده خداوند است «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى وَ عَاقِبَتِ نِیکِ بَرای تقوا است».^۳
۲. از طریق اینکه نوع انسانی به آن فطرتی که در او به ودیعه سپرده شده طالب سعادت حقیقی خویش است و سعادت حقیقی او این است که بر کرسی فرماندهی بر جسم و جان خویش مسلط شود و زمام حیات اجتماعی را به دست بگیرد، این با دین توحیدی اسلام است. زیرا سعادت واقعی آن است که خلقت و ایجاد، طبق آیه مقابل، برای بشر در نظر گرفته است «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده دگرگونی در آفرینش خدا نیست این است دین و آئین محکم و استوار ولی اکثر مردم نمی دانند»^۴ بر این اساس، بالآخره چنین روزی دیر یا زود محقق خواهد شد.

۲. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق. ج ۴، ص ۱۳۱

۳. طه، ۱۳۲

۴. روم آیه: ۳۰

وی در پاسخ این سوال که اگر فطرت بشر او را به سعادت حقیقی اش می‌رساند، چرا تا کنون نرسانده، و بشر در سیر انسانی خود به سوی آن سعادت و کمال نرسیده و این همه انحرافات دامن وی را گرفته؟ در باره این سخن علامه (ره) که فرمود: انسان فطرتاً طالب سعادت است سوال شده که اگر فطرت انسان وی را به سعادت سوق می‌دهد چرا از زمان آدم (ع) تا به امروز چنین اتفاق نیفتاده است بلکه بشر هر روز به سوی گرفتاری می‌رود؟ وی در پاسخ این سوال ضمن تأیید درستی حکم فطرت می‌فرماید: این انحرافات از جهت بطلان فطرت و یا بطلان غایتی که نظام خلقت و ایجاد الهی در جهان دنبال می‌کند نیست بلکه بشریت در تشخیص سعادت فطری واقعی خویش دچار خطا شده و در نتیجه مصداق موهوم را مصداق واقعی پنداشته است. (همان، ص ۱۳۲-۱۳۱)^۵

آن مرحوم علاوه بر دو دلیل گفته شده، در تأیید این که سرانجام آئین حق اسلام حاکم خواهد شد از آیات ذیل کمک می‌گیرد و می‌فرماید:

کمی بعد از آیه گفته شده قرآن می‌فرماید: «لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (بگذار) نعمتهایی را که ما به آنها داده‌ایم کفران کنند و (از نعمتهای زودگذر دنیا هر چه می‌توانید) بهره‌گیری اما به زودی خواهید دانست (که نتیجه کفران و کامجوییهای بیحساب شما چه بوده است).^۶ و بعد از چند آیه دیگر می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده، خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمال آنها را به آنها بچشاند شاید (به سوی حق) بازگردند.^۷

روشن است که آیات یاد شده ضمن اشاره به انحراف بشر از فطرت و گرفتاری بر مشکلات با تعبیر «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» و یا «لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» شاید (به سوی حق) بازگردند. اشاره به همیشگی نبودن انحراف از فطرت دارند.

۵. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۳۲

۶. روم آیه: ۳۴

۷. روم، ۴۱

علامه (ره) در ادامه با استناد به آیه « فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ اِي كَسَانِي كِه اِيْمَان آورده ايد هر كس از شما از آئين خود باز گردد (به خدا زياني نمي رساند) خداوند در آينده جمعيتي را مي آورد، كه آنها را دوست دارد و آنها (نيز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر كافران نيرومندند، آنها در راه خدا جهاد ميكنند و از سرزنش كندگان هراسي ندارند.^۸ و نيز آيه: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ بَرْنُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۹ و آيه «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى وَ عَاقِبَت نِيكَ بَرَاي تَقْوَا اِسْت.»^{۱۰} مي فرمايد ... فهذه و امثالها آيات نخبرنا ان الاسلام سيظهر ظهوره التام فيحكم علي الدنيا قاطبة پس اين آيات و امثال آن به ما خبر مي دهد كه اسلام به زودي بطور كامل غلبه خواهد كرد، و بر سراسر گيتي حكومت خواهد نمود.^{۱۱}

حاصل فرمايش ايشان اين است كه: اين آيه و امثال آن به ما خبر مي دهند كه اولاً: اسلام دين فطرت است، و ثانياً بشر به حكم فطرتش حركت كرده است، ولي در تطبيق با مصداق خطا رفته، و ثالثاً اسلام به زودي بطور كامل غلبه خواهد كرد و بر سراسر گيتي حكومت خواهد نمود.

أنتك عرفت أن الإسلام بالمعنى الذي نبحت فيه غاية النوع الإنساني و كماله الذي هو بغريزته متوجه إليه شعر به تفصيلاً أو لم يشعر و همان طور كه شناختي، اين بدین جهت است كه اسلام به آن معنایی كه مورد بحث است هدف نهایی نوع بشر و كمالی است كه بشر با غریزه خود رو به سويش می رود، چه اینکه به طور تفصیل توجه به این سیر خود داشته باشد و یا نداشته باشد.^{۱۲}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۸. مانده، ۵۴

۹. انبیاء، ۱۰۵

۱۰. طه، ۳۲

۱۱. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۳۲

۱۲. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۳۲

۲. مهدویت و سرنوشت اهل کتاب

در تعقیب بحث قبلی این مطلب مطرح می‌شود که در صورت حاکمیت اسلام سرنوشت اهل کتاب و پیروان ادیان دیگر چه می‌شود؟ آیا همگی اسلام می‌آورند و غیر مسلمان وجود نخواهد داشت یا غیرمسلمان تا قیامت وجود خواهد داشت؟

مرحوم علامه (ره) درباره سرنوشت اعتقادی اهل کتاب و ایمان آوردن یکایک آنان به عیسی (ع)، قبل از مرگ، آیه ۱۵۹ سوره نساء: «وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا وَ هِيَ كَسْ أَسْمَاءُ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ» (۱۳) را آورده و در معنای آیه می‌فرماید: «وَكُلُّ وَاحِدٍ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَبْلَ مَوْتِهِ بِعِيسَى إِي يَظْهَرُ لَهُ قَبِيلَ الْمَوْتِ عِنْدَ إِحْتِضَارِهِ أَنَّ عِيسَى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَبْدُهُ حَقًّا وَ إِنْ كَانَ هَذَا الْإِيمَانُ مِنْهُ إِيْمَانًا لَا يَنْتَفِعُ بِهِ، وَ يَكُونُ عِيسَى شَهِيدًا عَلَيْهِمْ...» ۱۳.

وی بعد از بیان معنای آیه، با استفاده از آیه ۱۱۷ مائده که عیسی (ع) به خدا گوید من تا زمانی که زنده بودم شاهد اعمال آنان بودم [و با توجه به آیه قبلی که یک یک - همه - اهل کتاب به عیسی (ع) ایمان می‌آورد] می‌فرماید: عیسی (ع) هنوز زنده است و بعد از همه اهل کتاب می‌میرد و آن حضرت در آخر الزمان نزول می‌کند و در این زمان تمام اهل کتاب به او ایمان می‌آورند. المراد به ایمانهم به عند نزوله فی آخر الزمان من السواء استناداً الی الروایه ... ۱۴. بدین ترتیب علامه (ره) ضمن نادرست دانستن گمان یهود بر کشتن حضرت عیسی (ع) و باور نصارا در مصلوب شدن و مرگ عیسی ۱۵ بیان می‌دارد که در زمان نزول عیسی (ع) همه اهل کتاب قبل از مرگش به وی ایمان می‌آورند که ایمان به وی چیزی جز ایمان به اسلام نیست.

ایشان همچنین در ذیل آیه ۵۵ آل عمران «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ فَاذْبُرْ لِي وَ جَاهِلِيَّةَ أُمَّةٍ قَدْ كَفَرَتْ لَكَ بِمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ كِتَابِي الَّذِي نَزَّلْنَا بِتَأْيِيدِنَا أَنْتَ نَبِيُّ رَسُولِي الَّذِي جَاءَكَ بِالْحَقِّ وَأَنْتَ نَبِيُّ رَسُولِي الَّذِي جَاءَكَ بِالْحَقِّ وَأَنْتَ نَبِيُّ رَسُولِي الَّذِي جَاءَكَ بِالْحَقِّ...» (به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را بر می‌گیرم و به سوی

۱۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق. ج ۵، ص ۱۳۴

۱۴. همان، ص ۱۳۵

۱۵. انجیل مرقس باب ۱۶، انجیل متی باب ۲۸، انجیل لوقا باب ۲۴، انجیل یوحنا باب ۳۱

خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم...» پس از انتخاب منظور مورد نظر خود درباره معنای توفی (کامل گرفتن)، رفع (بالا بردن)، نوع طهارت (ظاهری یا باطنی) با استناد به آیات دیگر قرآن، ضمن اشاره به این که این آیه نیز حاکی از زنده بودن حضرت عیسی است می‌فرماید: ظاهر فرمایش قرآن، آن است که از آینده خبر می‌دهد و این رفع و تطهیر، پس از این زمان (زمان تکلم خداوند) واقع خواهد شد. (فَإِنَّ ظَاهِرَ قَوْلِهِ «إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَ مُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» خدا (به عیسی فرمود): "من تو را بر می‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم، و کسانی را که از تو پیروی کردند...»^{۱۶} إخبار عن المستقبل وَ أَنَّهُ سَيَحَقِّقُ فِيهَا يَسْتَقْبِلُ حَالَ التَّكَلُّمِ تَوَفَّى وَ رَفَعٌ وَ تَطْهِيرٌ وَ جَعَلَ عَلَيَّ أَنَّ قَوْلَهُ «وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ» وَعَدَّ حَسَنٌ وَ بُشْرِي وَ مَا هَذَا شَأْنُهُ لَا يَكُونُ إِلَّا فِي مَا سَيَأْتِي هَمَانَا ظَاهِرَ عِبَارَتٍ: «إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ إِلَيَّ، وَ مُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ...» این است که می‌خواهد از آینده خبر دهد و بفرماید: به زودی و بعد از این سخن توفی و رفع و تطهیر و جعل تحقق می‌یابد، علاوه بر اینکه جمله: «وَ جَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ...» وعده خوشحال کننده و بشارت است و چنین وعده‌ای حتما باید در آینده تحقق یابد و ما می‌دانیم که هیچ حجتی برای پیروان عیسی ع حجت نیست مگر آنکه برای خود آن جناب هم حجت است و این حجت همان است که خدای تعالی در ضمن آیات بشارت^{۱۷}.

براین اساس، مرحوم علامه (ره)، این قول خداوند را بشارت و وعده الهی دانسته است که در آینده محقق می‌شود؛ و بر اساس آن وعده، اهل کتاب قبل از مرگ حضرت عیسی (ع) به او ایمان خواهند آورد و تابعان وی بر کفار و یهودیان منکر حضرت عیسی (ع) غلبه خواهند یافت. از طرفی علامه (ره) می‌فرماید: طبق آنچه در برخی اخبار آمده است عیسی (ع) زنده است و در آخر الزمان (در ظهور حضرت مهدی) نزول یافته و اهل کتاب، یهود و نصارا، براو ایمان می‌آورند. «ما ورد في بعض الاخبار ان عيسى حي لم يمت و انه ينزل في آخر الزمان فيؤمن به اهل در بعضی از روایات آمده که عیسی (ع) هنوز زنده است و از دنیا

۱۶. آل عمران ۵۵

۱۷. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۰۸

نرفته و اینکه در آخر الزمان از آسمان می‌آید و همه یهود و نصاری‌ موجود در آن روز به وی ایمان می‌آورند؛^{۱۸}.

نویسنده مقاله، با این بیان نتیجه سخنان علامه (ره) بر آن خواهد بود که افرادی که نزول عیسی (ع) را درک نکرده باشند، هنگام مرگ، به او ایمان می‌آورند و کسانی که واقعه نزول را درک کنند، به صورت اختیاری یا اضطراری و اجباری به او ایمان خواهند آورد. و تحقق این وعده، به وسیله مسلمان شدن اهل کتاب و قبول اسلام به عنوان ناسخ ادیان قبلی خواهد بود در زمان ظهور امام مهدی (عج) هیچ شخص کتابی نمی‌ماند؛ جز این که همه اسلام می‌آورند، گرچه ایمان عده‌ای از آن‌ها اجباری و غیرخالص است.

یاد آوری می‌شود که بعضی از آیاتی که بر خلاف این نظریه اشاره دارد (یعنی ظهور در باقی ماندن اهل کتاب تا قیامت را دارد) علامه (ره) آن‌ها را نپذیرفت و وجود اهل کتاب تا روز قیامت را با حفظ عنوان «اهل کتاب» نمی‌پذیرد البته ایمان، ممکن است اضطراری باشد؛ ولی به هر حال، پس از عیسی (ع)، اهل کتابی وجود نخواهد داشت.^{۱۹}

علامه (ره)، این معنا را که در زمان نزول عیسی (ع) در آخر الزمان و ظهور امام عصر (عج) اهل کتابی نخواهد ماند از آیه دیگر نیز بیان داشته است و آن آیه مبارکه ۳۳ توبه است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» او کسی است که رسولش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا او را بر همه آئین‌ها غالب گرداند هر چند مشرکان کراهت داشته باشند. است وی ضمن این که گوید منظور از دین حق اسلام است، می‌فرماید: خدای تعالی، حضرت محمد (ص) را با آیات و بینات و دین فطری اسلام فرستاد تا آن را بر سایر ادیان غلبه دهد هر چند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند. (و المعنى أن الله هو الذي أرسل رسوله وهو محمد (ص) مع الهداية- أو الآيات والبينات- و دین فطری لیظهره و ینصر دینه الذي هو دین الحق [الإسلام] علی کل الأديان و لو کره المشرکون ذلك ومعناى آیه این است که: خدا آن کسی است که رسول خود محمد (ص) را با هدایت- و یا با آیات و معجزات- و با دینی فرستاد که با فطرت و حقیقت

۱۸. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۱۳۴

۱۹. همان، ج ۵، ص ۱۳۶

آفرینش منطبق است، فرستاد تا آن را بر سایر ادیان غلبه دهد هر چند مشرکان نخواهند و ناراحت شوند.^{۲۰}

سپس می‌فرماید: این دو آیه [این آیه با آیه قبلی] دلالت دارند بر اینکه خدای تعالی خواسته است دین اسلام در عالم بشریت انتشار یابد، ... فإنها تدلان على أن الله أراد انتشار هذا الدين في العالم البشري این دو آیه دلالت می‌کنند که خداوند انتشار دین اسلام در جهان بشریت را اراده نموده است.^{۲۱}

آیه فوق که عیناً و با همین الفاظ در سوره «صف» نیز آمده و با تفاوت مختصری در سوره «فتح» تکرار شده است، از واقعه مهمی خبر می‌دهد که این تکرار در سوره‌ها حاکی از اهمیت آن است و آن خبر از جهانی شدن اسلام و عالم گیر شدن این آئین است. مفهوم آیه پیروزی همه‌جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است؛ یعنی سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا گرفته و بر همه جهان پیروز خواهد شد. از آن جا که این خبر در حال حاضر تحقق نیافته اما این وعده حتمی خدا تدریجاً در حال تحقق است؛ سرعت پیشرفت اسلام در جهانو به رسمیت شناخته شدن این آئین در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که اسلام رو به سوی عالم گیر شدن پیش می‌رود. اما طبق روایات مختلف تکمیل این برنامه هنگامی خواهد بود که «امام مهدی (عج)» ظهور کند.

«مرحوم طبرسی» در مجمع البیان از امام باقر (ع) در تفسیر این آیه چنین نقل می‌کند: «ان ذلك يكون عند خروج المهدي فلا يبقى احد الا اقر بمحمد (ص) این فراگیر شدن اسلام هنگام خروج حضرت مهدی (عج) است پس کسی روی زمین نمی‌ماند جز این که اقرار به نبوت حضرت محمد (ص) می‌کند».^{۲۲}

۲۰. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۹، ص ۲۴۷

۲۱. همان

۲۲. طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۳۸

و نیز از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمود: «لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر و لا وبر...»
... بر روی زمین خانه‌ای نمی‌ماند... مگر اینکه خداوند نام اسلام را در آن

وارد می‌کند»^{۲۳}.

از امام صادق (ع) در تفسیر این آیه چنین نقل شده است: «

تاویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله العظیم... به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که "قائم" خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند»^{۲۴}.

علامه (ره) از تفسیر برهان بحرانی نقل کرده که امام صادق (ع) در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ...» فرمود: به خدا سوگند هنوز تاویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آنکه قائم (ع) خروج کند، وقتی او خروج کرد دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی باقی نمی‌ماند مگر اینکه از خروج حضرتش ناراحت می‌شود حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می‌گوید: ای مؤمن! در دل من کافری پنهان است...^{۲۵}.

علامه (ره) می‌فرماید: نظیر این روایت را عیاشی^{۲۶} از ابی المقدام از ابی جعفر (ع) و نیز از سماعه از امام صادق (ع) نقل کرده و همچنین طبرسی^{۲۷} مثل آن را از ابی جعفر (ع) روایت کرده است. در تفسیر قمی^{۲۸} نیز آمده است که این آیه در باره قائم آل محمد (ع) نازل شده است.

علامه (ره) در توضیح روایت می‌فرماید: معنای اینکه در باره آن جناب نازل شده این است که خروج آن جناب تاویل این آیه است، هم چنان که از روایت صدوق^{۲۹} هم استفاده می‌شود. و سیوطی در درمنثور در تفسیر آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ تَاوِيلًا» بر همه آئین‌ها غالب گرداند» یاد

۲۳. همان

۲۴. فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۸

۲۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷

۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۸۷

۲۷. طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۳۸

۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۸۹

۲۹. کمال الدین، ج ۲ ص ۶۷۰، ح ۱۶

آوری می شود که منبع درذیل شماره ۶ آمده است! گفته است: معنای این آیه صورت وقوع به خود نمی گیرد مگر وقتی که هیچ یهودی و مسیحی و صاحب ملتی جز اسلام نماند و نیز صورت نمی گیرد مگر وقتی که گرگ و گوسفند، شیر و گاو و انسان و مار با هم زندگی کنند و از یکدیگر ایمن شوند و نیز واقع نمی شود... مگر وقتی که جزیه بکلی لغو شود و صلیبها شکسته و خوگها کشته شوند، و این وقتی است که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.^{۳۰} علامه (ره) می فرماید: منظور از لغو جزیه به قرینه صدر روایت این است که موضوعی برای جزیه باقی نمی ماند. این که این روایت دلالت داشت بر اینکه در آن روز کفر و شرکی در روی زمین باقی نمی ماند، معنایی است که روایات دیگر نیز بر آن دلالت دارند و همچنین روایات دیگری هست که آن ها نیز دلالت دارند بر اینکه مهدی (عج) بعد از ظهورش جزیه را از اهل کتاب بر می دارد.^{۳۱}

نویسنده مقاله معتقد است که احادیث به همین مضمون از پیشوایان اسلام زیاد است. حضرت استاد آیه... مکارم (حفظه الله) در تفسیر نمونه بحث فشرده مفیدی در زمینه روایات مربوط به ظهور امام مهدی (ع) و پیرامون آثار این عقیده در پیشرفت جامعه اسلامی و مبارزه با ظلم و فساد دارد. طالبین مراجعه نمایند.^{۳۲} در پایان این قسمت مطلبی که باید روشن شود این است که منظور از نزول عیسی (ع) در اخبار چیست؟ علامه (ره) با آوردن روایات متعدد شیعه و سنی به ارتباط نزول عیسی (ع) با ظهور حضرت مهدی (عج) همان طور که در روایات آمده، می پردازد و نشان می دهد که رهبری امام مهدی (عج) و تبعیت عیسی (ع) - به عنوان منجی و موعود اهل کتاب - واقعیت مسلم آئین اسلام است. اینک یکی از آن روایات را که علامه (ره) استناد نموده، تقدیم خوانندگان می نمایم:

نبوی به طریق اهل سنت: قال رسول الله (ص): یوشک أن ينزل فيكم ابن مریم حکماً عدلاً یق
... رسول خدا (ص) فرمود: چیزی نمانده که پسر مریم به عنوان حکم عدل

۳۰. سیوطی، عبدالرحمان، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۳۱

۳۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۵۶

۳۲. ن ت: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص: ۳۷۴

در بین شما نازل شود و دجال را به قتل برساند و خوک را (که مسیحیان حلال می‌دانند) بکشد- احتمالاً منظور تحریم خوک است- ...^{۳۳}.

سپس علامه (ره) می‌فرماید: روایات در باره نازل شدن عیسی (ع) در هنگام ظهور مهدی (ع) بسیار زیاد است و به اصطلاح، مستفیض است، هم از طرق اهل سنت و هم از طرق شیعه، هم از رسول خدا (ص) و هم از ائمه اهل بیت (ع)^{۳۴}.

۳. آینده دنیا، رجعت یا مهدویت

«رجعت»، از باورهای شیعه است و اهمیت اعتقاد به آن از این دید، در حدی است که در بسیاری از روایات و دعاها به آن تصریح شده است. حتی در برخی از روایات، نام افراد رجعت کننده و فعالیت‌های آنها پس از رجعت ذکر شده است. اما تفسیر توأم برخی آیات به قیامت، رجعت و ظهور حضرت مهدی (عج) در مسئله ابهام ایجاد کرده که آینده چگونه است؟ اینک حل مسئله را بیان می‌داریم.

علامه (ره)، در خلال بحث از آیاتی از جمله در بحث روایی آیه شریفه ۲۱۰ سوره مبارکه بقره، «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ... آيا (پيروان فرمان شيطان، پس از اين همه نشانه‌ها و برنامه‌های روشن) انتظار دارند که خداوند، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند...!» که این آیه در روایات معصومین (ع) به قیامت و گاهی به رجعت، باری به ظهور امام مهدی (عج) تفسیر شده است، به مسئله رجعت متعرض شده است^{۳۵}. وی علی‌رغم این اختلاف ظاهری روایات، آنها را به این ترتیب جمع می‌کند که: گاهی ائمه (ع) مراتب یک واقعت را به گونه‌های مختلف بیان می‌کردند و این به خاطر وحدت و سنخیتی است که در معانی متفاوت وجود دارد. این جا نیز بین این سه معنا سنخیتی وجود دارد. لذا وی مهدویت، رجعت و قیامت را حلقه‌ای از حلقه‌های زنجیروار می‌داند

۳۳. سیوطی، عبدالرحمان، ۱۴۰۴ق. ج ۲، ص ۲۴۲

۳۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق.، ج ۵، ص ۱۴۴

۳۵. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق. ج ۲، ص ۱۰۶

که نهایت آن، بندگی محض الهی و بروز کامل قدرت، عظمت و حاکمیت خداوند است و در توضیح روایات رجعت، می گوید:

و الروایات المثبتة للرجعة وإن كانت مختلفة الأحاد إلا أنها علي كثرتها متحدة في معنی واحد و هو أن سير النظام الدنیوی متوجهٌ إلي يوم تظهر فيه آیات الله كل الظهور؛ ... روایاتی که رجعت را اثبات می کند، گرچه یکایک با همدیگر اختلافاتی دارند؛ ولی با توجه به فراوانی آن‌ها، همگی در یک معنا متحد هستند و آن، این که مسیر نظام دنیا، به سوی روزی در جریان است که آیات خداوند، به طور کامل، در آن روز ظاهر می شود؛ فَلَا يُعْصَى فِيهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى بَلْ يُعْبَدُ عِبَادَةً خَالِصَةً، لَا يَشُوبُهَا هَوَى نَفْسٍ، وَلَا يَعْتَرِيهِ إِغْوَاءُ الشَّيْطَانِ... در آن روز، معصیت خداوند انجام نمی شود، بلکه او به طور خالص عبادت می شود و هوای نفس با آن عبادت مخلوط نمی شود و فریب شیطان در آن داخل نمی گردد...^{۳۶}. بنا براین از نظر ایشان، این معنا؛ یعنی اتحاد به حسب حقیقت و اختلاف به حسب رتبه، باعث شده است ائمه، در تفسیر خود از آیات، گاهی به قیامت، گاهی به رجعت و گاهی به ظهور تعبیر کنند.

از این کلام علامه (ره)، چنین بر می آید که وی، قیامت، رجعت و ظهور را حوادثی نمی بیند که مقطعی از تاریخ به حساب آیند و ارتباطی به قبل و بعد نداشته باشند، بلکه بر اساس سنت الهی که حق را غلبه می دهد و حقایق را مکشوف می سازد، این‌ها حلقه‌ای از حلقه‌های زنجیروار و مترتب به هم اند که در چند مرحله در دنیا و آخرت، این هدف را عملی می سازند؛ به گونه‌ای که ابتدا در هنگام ظهور مهدی (عج)، حق غلبه پیدا می کند و دین حق غالب می شود و آیات و قدرت‌های خداوند، ظاهر می شود؛ اما پس از آن که رجعت واقع می شود و نظام عادی دنیوی که مردم با آن انس گرفته‌اند، دگرگون می شود، خداوند، قدرت خود را آشکارتر می سازد و نشان می دهد که حتی می تواند رهبران دینی را که در اهداف دنیوی ناکام ماندند، برگرداند و استعداد آن‌ها را شکوفا سازد و تجلی بخشد. همچنین رهبران کفر که مجازات دنیوی خود را ندیدند، برگرداند و مکافات نماید. اما در رجعت نیز صفات الهی کاملاً بارز نمی شود و قدرت و ظهور الهی تماماً آشکار نمی شود؛ زیرا از سویی تمام انسان‌ها به ثواب و عقاب نمی‌رسند و آن‌ها که رسیده‌اند،

۳۶. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۰۹

زندگی محدود و غیر ابدی دارند و از سوی دیگر، احتمال تخلف (گرچه به صورت فرضی و غیر خارجی) وجود دارد و مالکیت و ملک الهی کاملاً آشکار نشده است. اما ظهور کامل حق در قیامت است که خداوند می‌فرماید: «لَمَّا مَلَكَ الْيَوْمَ اللَّهُ الْوَاحِدَ الْقَهَّارَ؛ ترجمه: امروز، حاکمیت از چه کسی است؟ از خداوند یکتای غالب^{۳۷} بنابراین، علامه (ره)، مهدویت، رجعت و قیامت را امور مترتب بر هم می‌داند که در نهایت، بندگی محض الهی و بروز کامل قدرت، عظمت و حاکمیت خداوند است، لذا این ایام را دارای مراتب مختلف و درجات متفاوت می‌داند؛ بدین معنا که ظهور حاکمیت خداوند در قیامت کامل است، اما ظهور حاکمیت الهی در رجعت، کمتر از آن است. روز ظهور مهدی (عج) نیز کم‌تر از رجعت و قیامت می‌باشد:

يوم الرجعة من مراتب يوم القيامة وإن كان دونه في الظهور لإمكان الشر والفساد فيه في الجملة،
دون يوم القيامة، ولذلك ربما الح () ... ترجمه:

روز رجعت، از مراتب روز قیامت است؛ گرچه در شدت ظهور الهی رتبه‌اش از قیامت پایین‌تر است؛ زیرا در [روز رجعت] اجمالاً امکان شر و فساد هست؛ ولی در روز قیامت، آن امکان هم وجود ندارد؛ از این رو، گاهی روز ظهور مهدی (عج) را با عنوان زمان ظهور کامل حق، به [قیامت] ملحق کرده‌اند؛ گرچه روز ظهور مهدی (عج) رتبه پایین‌تر از رجعت دارد. از اهل بیت هم وارد شده است: ایام الله، سه روز هستند؛ روز ظهور، روز رجعت و روز قیامت ...^{۳۸}

۴. مهدویت، علائم ظهور

علامه (ره) ذیل بعضی از آیات، با توجه به روایات متناسب، مواردی از علائم ظهور را از باب جری، بر آن آیات منطبق می‌کند، برای نمونه، ایشان در آیه ۵۴ سوره سبأ «وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ... [سرانجام] میان آن‌ها و خواسته‌هایشان جدایی افکنده شد؛ همان‌گونه که از پیش، با پیروان آن‌ها عمل شد.» می‌فرماید:

۳۷. سوره غافر آیه ۱۶

۳۸. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ ق. ج ۲، ص ۱۰۹

و اعلم أن ما قدمناه من الكلام في هذه الآيات الأربع مبني على ما يعطيه ظاهر السياق و قد و أهل السنة أن الآيات ناظرة إلى خسف جيشالسفياي بالبيداء و () المتصلة به فعلى تقدير نزول الآيات في ذلك يكون ما قدمناه من المعنى و بدان که آنچه در معنا و تفسیر این چهار آیه گذشت ظاهر آیات مزبور بود و روایات بسیار از طرق شیعه و سنی رسیده، که: آیات مورد بحث ناظر است به فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان "بیداء" که یکی از علامتهای ظهور مهدی (ع) و متصل به آن است، و بنا بر اینکه آیات در این باره نازل شده باشد، آن گاه معنایی که ما ذکر کردیم از باب جری، و حمل کلی بر مصداق می شود.^{۳۹}

ایشان معنای آیه را فاصله افتادن بین مشرکان و آمال دنیوی آنان می داند. سپس با اشاره به روایات مستفیضه از شیعه و سنی، جریان خسف بیداء (فرو رفتن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء) را از باب جری، به آیه مرتبط می داند.

از اهل سنت، به تفسیر درمنثور سیوطی اشاره کرده که وی در ذیل آیه^{۴۰}، جریان سفیانی را طبق روایت اهل سنت آورده است: خداوند سفیانی و همراهانش را وقتی به بیداء می رسد، در زمین فرو می برد؛ پس هیچ کدام از آنها نجات نمی یابد، جز یکی که این خبر را نقل می کند.^{۴۱} همچنین به روایتی از تفسیر قمی (آدرس به پاورقی منتقل شود) از امیرالمؤمنین (ع) ذیل آیه اشاره می کند که فرمود:

«... فاذا جاء الي البيداء يخرج اليه السفياي فيأمر الله عزوجل فيأخذ باقدامهم، وقتی مهدی (عج) به بیداء می رسد سفیانی به سوی او خروج می کند؛ پس خدا (به زمین) امر می کند پس (زمین)، آنها را در خود گرفتار می کند.^{۴۲}»

وی همینطور در قسم روائی تفسیر آیه ۵ سوره اسراء از تفسیر البرهان بحرانی به روایت امام صادق (ع) توجه می دهد که در آن به گروهی اشاره می شود که قبل از قیام قائم (ع)، توسط خدا

۳۹. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۹۱

۴۰. سیوطی، عبدالرحمان، ۱۳۶۳ش، ج ۵، ص ۲۴۲

۴۱. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۹۳

۴۲. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۹۴

برانگیخته می‌شوند و مخالفان اهل بیت (ع) را شناسایی و دستگیر می‌کنند. علامه (ره) ضمن اشاره به روایات دیگر در این معنا، این روایات را از باب جری و تطبیق می‌داند نه تفسیر آیات و می‌گوید سیاق این روایت، تطبیق حوادثی است که در میان بنی اسرائیل اتفاق افتاده است و در این امت واقع خواهد شد و در حقیقت در مقام تصدیق فرمایش رسول خدا (ص) است که فرموده است: این امت به زودی همان را که بنی اسرائیل مرتکب شد دقیقاً و طابق النعل بالنعل مرتکب خواهد شد...^{۴۳}.

علامه (ره) در بیان علائم آخرالزمان به روایات ملاحم نیز توجه کرده است. هر چند در این روایات، بحث‌های سندی و دلالتی قابل توجه وجود دارد، اما علامه (ره) به آن‌ها اعتماد و استناد می‌کند؛ به عنوان نمونه ذیل آیه ۵۴ سوره مائده شرایط فعلی امت اسلامی را منطبق بر روایات ملاحم دانسته و جوامع فعلی اسلامی را دارای قابلیت‌های لازم برای تحقق وعده‌های الهی نمی‌داند: و يستفاد بالامعان في التدبر فيها تفاصيل الرذائل التي تنبئ الآيَة ان المجتمع الاسلامي سيبتلي بها با دقت در آن روایت، تفصیل ناپاکی‌هایی که آیه، از ابتلای جامعه اسلامی به آن‌ها خبر می‌دهد، روشن می‌شود.^{۴۴}

وی با پذیرش تحریف و دسّ در روایات ملاحم و رد این که روایات ملاحم قابل استناد نیست^{۴۵}، روایت مفصل گفت و گوی سلمان با پیغمبر(ص) را می‌آورد که در آن اشراط الساعه (علائم آخرالزمان) زیادی از جمله، خیانت در امانت، تصدیق دروغگو، تشبه زنان به مردان و برعکس، گسترش آلات لهو و لعب، امر به منکر و نهی از معروف، ذلت مؤمنان، گسترش ربا و رشوه، کاهش و نامنظم شدن باران و... مطرح شده است. وی در ادامه روایتی شبیه روایت ذکر شده را از امام صادق(ع) در علائم آخرالزمان می‌آورد.^{۴۶}

۴۳. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۴۳ و ۴۴

۴۴. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۳۹۴

۴۵. همان

۴۶. همان، ص ۳۹۶

جامعه آرمانی مهدوی به دنبال بحث علائم ظهور به عنوان ختامه مسک به برخی از نشانه‌های جامعه آرمانی عصر ظهور اشاره می‌شود: حکومت در عصر ظهور حکومتی که در ظهور امام مهدی (عج) مستقر خواهد شد، حکومت صالحان و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش برداشتن دیوار امتیازات نا صحیح طبقات و برقرار کردن توحید کلمه و ایجاد برادری و آسایش عموم، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عدل الهی بدون تفاوت بین اقوام و قبایل و نژاد، سیاه، سفید و... است.

به برکت چنین حکومت الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات یافته، از ترس فقر، پریشانی، ناامنی‌های گوناگون و بی عدالتی‌ها آزاد خواهد شد. حاکم در آن، مجری قوانین الهی است. تمام اختلافات طبقاتی که به نام‌های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان برداشته می‌شود. در آن حکومت، اقامه عدل در تمام زمینه‌ها به عنوان اصل اساسی اسلام و یکی از فلسفه‌های بعثت پیامبران الهی و هدف اصلی است، مردم طوری تربیت می‌شوند که خودشان قسط و عدل را به پا می‌دارند؛ نه آن که به زور قدرت حاکم به عدالت تن دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند...»^{۴۷}. که عبارت «ليقوم الناس بالقسط» در آیه شریفه، نشانگر آن است که هدف قرآن، چنان تربیت یافتن مردم است که خود قیام به قسط نمایند لذا فرمود: «ليقيموا الناس بالقسط» تا معنایش این باشد که پیامبران باید مردم را با نیروی اجرایی، به رعایت عدل وا دارند؛ بلکه خود مردم باید از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند. لذا از دید قرآن، عدالت نمودن نزدیک به تقوایی است که شاخصه گرامی تر بودن فرد نزد خدا است: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى، عدالت ورزید که عدالت به تقوا نزدیک تر است».^{۴۸}

۴۷. سوره حدید آیه ۲۵

۴۸. سوره مائده آیه ۸

بنابراین اقامه عدل یکی از شاخصه‌های عصر ظهور است، در احادیث در این مورد آمده است که امام مهدی (عج) «

قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جوراً خدا با او زمین را پر از عدل و داد می نماید همان طور که پر از ظلم و ستم شده است.^{۴۹}»

دامنه عدالت او تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه، گسترده می شود. عدالت همانند گرما و سرمای هوا در درون خانه‌های مردمان نفوذ می کند و مأمین و مسکن وجود آنان را سامان می بخشد. ... أما والله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر... به خدا عدالت او (امام مهدی عج) به خانه های مردم وارد می شود همان طور که گرما و سرما وارد می شود.^{۵۰} عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی خواهد بود، در آن دوره، جهل و نادانی رخت بر بسته و دانش‌هایی که در طول قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده بود، ظاهر می شود.

امام صادق (ع) فرموده: «عشرون حرفاً فجميع ما جائت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غیر الحرفین فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرين... علم و دانش ۲۷ حرف و شاخه دارد. تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نیست و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند. ۲۵ حرف دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود»^{۵۱}.

براساس این حدیث، آن عصر، زمان جهش فوق‌العاده علم خواهد بود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابر آن در اندک زمانی پیموده می شود!

رتال جامع علوم انسانی

۴۹. مجلسی، ۴۲۳، ص: ۴۲۳

۵۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۶۲

۵۱. همان، ص ۳۳۶

امام باقر (ع) نیز فرمود: «اذا قام قائمنا وضع يده على رءوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت بها ... هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبت او را بر سر بندگان می گذارد و با آن عقول آن ها را کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می کند»^{۵۲}.

بدین ترتیب، در عصر ظهور، مغزها در مسیر کمال به حرکت در آمده و اندیشه ها شکوفا می شوند. کومه بینی ها، تنگ نظری ها و افکار پست و پلید (که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای جوامع بشری است)، برطرف می شود. مردمی بلند نظر، با افکاری باز، سینه‌هایی گشاده، همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می یابند، لذا تمام ۲۷ حرف علم، پیاده می شود. یکی آثار جهش علمی آن عصر پیشرفت ارتباطات خواهد بود که برای آگاهی از اقصی نقاط، نیازی به وسایل ارتباطی امروزی نخواهد بود. بدین ترتیب، مرکز، به کل نواحی تحت حکومت تسلط کامل خواهد داشت. بین امام مهدی (عج) و مردم، نامه رسانی لازم نخواهد بود چون مردم هر نقطه از کره زمین، امام را مشاهده می کنند و امام با آنان سخن می گویند. مردم عادی نیز با همدیگر سخن می گویند و همدیگر را مشاهده می کنند، در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب آن است.

امام صادق ع فرمود: « - لشیعتنا فی اسماهم و -

لا یكون بینهم و بین القائم برید یکلمهم، فیسمعون و یظنون إلیه و هو فی مکانه». هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنان و آن حضرت نامه رسان نخواهد بود، [حضرت] با آن ها سخن می گوید و آنان سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است [و مردم در نقاط دیگر جهان]^{۵۳}.

امام صادق (ع)، در گفتار دیگر این حقیقت را چنین تکمیل فرموده است: «در زمان حضرت مهدی (عج) مؤمن در مشرق برادر خود در مغرب را می بیند و همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق مشاهده می کند»^{۵۴}.

۵۲. همان، ص ۳۲۸

۵۳. صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۸۳

۵۴. مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۹۱

طبق این حدیث در عصر ظهور، سیستم نیرومند و مجهزی، برای انتقال تصویرها به وجود خواهد آمد که تمام جهان به منزله کف دست خواهد شد و پستی و بلندی‌های زمین، مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد بود. روشن است که بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی و ارتباطی، حکومت واحد جهانی و صلح، امنیت و عدالت به طور همه جانبه، امکان پذیر نخواهد بود.

جامعه آرمانی عصر ظهور جامعه آسایش و رفاه همگانی است. توزیع عادلانه منابع و ثروت، جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی‌گذارد. رفاه و تنعم به گونه‌ای خواهد بود که در جامعه، نیازمندی یافت نمی‌شود؛ در آن عصر، به جهت اجرای عدالت، آسمان از ریزش برکات خود بر مردم دریغ نمی‌ورزد و زمین امساک نمی‌کند؛ بلکه هرچه دارند در اختیار بشر قرار می‌دهند. از این رو در آن جامعه که حقوق انسان‌ها محور توجه و برنامه‌ریزی است، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از مواهب الهی در پی خواهد بود. «حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و گنج‌های زمین برای او ظاهر می‌شود و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند؛ مگر این که آن را آباد خواهد ساخت»^{۵۵}.

بیان ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها، نشان می‌دهد که (در اثر پیشرفت دانش) زراعت و کشاورزی، منابع روی زمینی به اوج ترقی خود می‌رسد و معادن، تمام منابع زیرزمینی، کشف و مورد استفاده قرار می‌گیرد و همه افراد به بی‌نیازی و خودکفایی می‌رسند.

جامعه عصر ظهور، محیط امن و سلام است. قرآن کریم به انسان‌ها و مؤمنان مستضعف، وعده چنین شهر امن و سلامت را داده است: «زندگی شما پس از خوف تبدیل به امن می‌شود»^{۵۶}، ائمه اطهار (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: منظور، عصر ظهور امام مهدی آل محمد (ص) است. (المیزان، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۵۸)

قرآن می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ إِنَّ خُذَّوْنَ بِهَا نَبَاتًا

۵۵. صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۸۲

۵۶. سوره نور، آیه ۵۵

که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را قطعا خلیفه روی زمین خواهد کرد، همانگونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند...»^{۵۷}.

آیه شریفه، سه وعده صریح به مؤمنان داده است:

الف. استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت مومنان صالح در زمین به عنوان نمایندگی از خدا، (حکومت حق و عدل)؛

ب. تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمامی عرصه‌های زندگی؛

ج. تبدیل خوف به امنیت و بر طرف شدن عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین.

امام زین العابدین (ع) در تفسیر این آیه فرموده است:

به خدا قسم این گروه همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است»^{۵۸}.

بشر امروز هر چه امکانات علمی و تکنیکی در اختیار داشته، به استخدام در آورده است تا شاید بتواند آسایش و رفاه در جهان را تأمین نماید، اما نه تنها نتوانسته آرامشی در خود ایجاد نماید، بلکه همان امکانات جهان را نا امن تر، تنگ و تاریک تر و بی روح تر نموده است و بشر در آن احساس ناامنی و گرفتاری‌های متعدد می‌کند.

در جامعه عصر ظهور تنها آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی تأمین نخواهد شد؛ بلکه در این شهر آرمانی، انسان ذو ابعاد مختلف با رشد متوازن تمامی آن ابعاد، آرامش و تکامل و رشد همگانی خواهد یافت. بهشت موعود زمینی این جامعه، تنها شهر عدالت، رفاه، امنیت نیست، در آنجا انسان‌ها علاوه بر دستیابی به غنای مالی، از غنای قلبی، روحی، سجایا و فضایل انسانی نیز بهره‌مند خواهند شد و در کنار وفور نعمت و ثروت، به کمال اخلاق و فضیلت‌های انسانی نیز مزین

۵۷. سوره نور، آیه ۵۵

۵۸. طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۲۳۹ ذیل آیه شریفه

خواهند شد. کینه‌های اخلاقی از قلب‌ها ریشه کن هم می‌شود، دروغ، تزویر و نامردمی در روابط اجتماعی، جای خود را به یک‌رنگی می‌بخشد. چون با این نگرش همه‌جانبه و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی مورد نیاز، تأسیس چنین شهرآرمانی امکان پذیر می‌شود. این برخی از ویژگی‌های جامعه آرمانی عصر ظهور است اما آن‌ها بیش از آن است که در یک مقاله بگنجد.

نتیجه گیری

چنانچه بیان شد این مقاله در موضوع آینده جهان از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) است. علمی بودن و تازگی مسئله هم از این ناحیه است. نتیجه مباحث تفسیری آن مرحوم در مسئله این است که آن مفسر گرانقدر با **روش** ویژه تفسیری خویش و با استفاده از احادیث مربوط، ضمن بررسی نظام حق‌گرا و فطری انسانی و جوامع بشری بدین نکته تأکید داشت که گرایش نوع انسان مطابق فطرتش به صلاح و رفع فساد و ظلم است. بنابراین نهایتاً عواملی دست بدست هم داده و آینده جهان را از آن صالحان خواهد کرد وی ثابت کرد که چنین واقعه در زمان ظهور قائم آل محمد(ص) و با حاکمیت سرتاسری آئین مقدس اسلام خواهد بود وی در این رابطه این موضوع را روشن می‌کند که در آن عصر غیر از اسلام دینی نخواهد ماند و تمام اهل کتاب به عیسی(ع) که برای یاری امام مهدی(عج) از آسمان نزول خواهد کرد، ایمان می‌آورند. ایشان در تبیین مسئله رابطه ظهور امام مهدی(عج) با دو مسئله رجعت و قیامت را که در برخی ادله پایان جهان علاوه بر قیام حجت(عج) رجعت و یا قیامت دانسته شده، روشن می‌کند و می‌فرماید این به جهت ارتباط حقیقت این سه موضوع در ظهور حق است؛ در خاتمه مقاله برخی از علائم ظهور از دید تفسیری آن مرحوم بیان شده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق.). *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه..
- (*انجیل مرقس* باب ۱۶، *انجیل متی* باب ۲۸، *انجیل لوقا* باب ۲۴، *انجیل یوحنا* باب ۳۱)
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۵ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه البعثة.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: کتابخانه آیه...نجفی مرعشی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۴۲۲ق.). *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم: انتشارات مولف.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: اعلمی.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو پف.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق.). *تفسیر عیاشی*، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر صافی*، تهران: مکتبه الصدر.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ . (۱۴۲۳ق.). *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.